

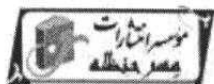


دنیای وارونه

نویسنده: خدیجه فولادی نژاد



سرشناسه : فولادی نژاد، خدیجه، ۱۳۴۳-
 عنوان و نام : دنیای وارونه/نویسنده خدیجه فولادی نژاد.
 پدیدآور :
 مشخصات نشر : دامغان: مهر حنظله، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۷۴ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۴۰۶-۷
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی :
 موضوع : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : -- Short stories, Persian ۲۰th century
 رده‌بندی کنده : PIR۸۳۵۶
 شماره ثبت دیوبی : ۸ فا ۳ / ۶۳
 شماره : ۶۳۰۵۰۰۴
 کتابشناسی :



دنیای وارونه

نویسنده: خدیجه فولادی نژاد

ویراستار: شکوفه حیدر آقایی

طراح جلد و صفحه آرا: فاطمه زهرا منصور کوهی

ناشر: انتشارات مهر حنظله

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۴۰۶-۷

نوبت چاپ: اول- تابستان ۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

فهرست

۷	طعمه
۱۱	فکر اسم جرها سوخته بودند
۱۹	تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده
۲۸	گریه ی پر زاری های بار
۳۱	آن شب
۳۶	حکمتو شکر خدا
۳۹	نخل های بی سر
۴۲	زندگی دوباره
۴۶	قبرستان کاغذها
۵۲	مهر
۵۷	سفره عقد
۶۳	پاچنار
۶۹	دنیای وارونه

طعمه

صدای زوزه باد به گوش می‌رسد. پاییچ‌هایش را به دور پاهایش می‌پیچد و زیر لب زمزمه می‌کند؛ خدایا به امید تو...

تو ایوان بلند می‌گویی: من رفتم...

پیش‌قلبم کم و کمتر می‌شود. از رفتن پدر خیالم راحت می‌شود و اینکه امروز من برای کاری نطلبیدم.

لحاف را روی سرم کشیدم مجبور به تحمل بوی داخل کرسی شدم. آخه بوی لبو گران بود. این برایم خوشایند نبود به هر نحوی بود پاهایم را به منقل چسباندم. انگشتانم را وارد خاکستر کردم، چقدر نرم بود! حس خوبی داشت؛ اما همیشه می‌ترسیدم.

حسین گفت: علی برو کنار اون بچه جمن هست نه بچه آدم. از این حرف حسین خوشم نیامد درسه پای من با دیگران متفاوت و شبیه دست دزدان دریایی تو برنامه کودک بود. فکر می‌کنم یک‌تکه آهن نداشت، گرد بود. همیشه برایم سؤال بود تا اینکه من به خودم تعریف کرد و گفتم یک روز که مادرش برای پختن نان به خانه همسایه می‌رود که خمیرش را بر سر تنورخانه‌شان بگذارد. پایش درون آتش منقل کرسی می‌رود و انگشتانش می‌سوزد صدای گریه‌اش به

خانه همسایه می‌رود اما مادر خیلی دیر به کمکش می‌رسد به گونه‌ای که کار از دوا و درمان می‌گذرد و پایش بر اثر سوختگی جمع می‌شود. پاشو دیگه، مگه نمی‌بینی آتیش کرسی خاکستر شده؛ صبحونت رو بخور و برو آتیش بیار تا بابات نیومده.

خرم تا پایه‌های کرسی فرومی‌برم و لحاف را روی سرم می‌کشم هوای سردی بدنم را فرامی‌گیرد. مادر لحاف‌های چهار طرف کرسی را روی کرسی جمع کرده بود با جارویی که در دست داشت به پشتم زد و گفت: پاشو دیگه مانه یا تو نیستی؟

کش و قوسی به بلند دادم و بلند شدم بدون هیچ حرفی منقل را با چشمانی نیمه‌باز از داخل کرسی بیرون کشیدم بلند کردم و به طرف در اتاق بردم همین که در را باز کردم سوز سرما همراه با باد شدیدی به صورتم سیلی محکمی زد و تمام خاک‌ها را بر سرو صورتم ریخت که صدای فریاد مادر بلند شد: الهی چیز جدی‌تری چرا سینی زیر منقل را روش نداشتی؟

آخ آخ بین چکار کردی؟! یک‌ساعته دارم خونه رو جار می‌زنم اونوقت؟

وقتی برگشتم تمام خانه از خاکستر فرش شده بود. سینی منقل را مادر بر رویش گذاشت و من را روانه بیرون کرد. به زیر ایوان که رسیدم آتشی از هیزم گردو و سیدار بر پا کردم. چه کیف می‌داد کنار آتش

نشستن اما صدای قاروقور شکم من را به طرف اتاق کشاند. هنوز مادر داشت جaro می کشید.

کتری جای را از روی چراغ علاءالدین که پایین گذاشتم چایی گول خورده ای برای خودم ریختم.

آه، چه قدر سرد بود! حتماً باز مامان و بابا صبحونه خورده بودن و مامان کتری رو دوباره آب کرده بود که اینم یکی، دو ساعت طول می کشید تا جوش بیاید، نگاهی به داخلش کردم بله! سهم صبحونه ای من توی کتری بود. قاشقکی آوردم به دنبال طعمه؛ این بیچاره هم فکر کنم از ساعت پنج دانه سرابی کنه و تمام استخوانش هم که له شده بدبخت شکمش هم که ترکیده تازه تمام روده هاش بیرون ریخته. نفس های آخر را که می کشید کتری بیرونش آوردم و با قاشقی زدم تو ملاجش مخش که ترکید نصف سقاب ملامین اسلیمی نقش دار را پر آب کرد آبش را درون پیاله پری که کنار چراغ بود ریختم مثل یک کرم خاکی بزرگ شده بود با چاقو دمش را بیرون همان گذاشتم. وای چه مزه ای بدی! طعم گچ کتری گرفته بود.

خوب باشو دیگه؟ هنوز داری می خوری؟ زغال خاکستر میده به طرف حیاط رفتم درست به موقع؛ خاکستر منقل را خالی کردم و زغال های سرخ را از میان آتش نیمه سوز جدا کردم و در منقل گذاشتم

و به طرف اتاق رفتم دستگیره‌های منقل داغ شده بود اما چاره‌ای جز نگه داشتنش نداشتم با پامدر اتاق را باز کردم.
مادر تا چشمش به دستم افتاد گفت: خوب دستگیره می‌بردی، ببین چه قرمز شده دستات.

سریع احاف کرسی را بالا زد و من منقل را درون کرسی قرار دادم.
- یاف چای سبز بیار. تو چرا هر وقت کنار بخاری می‌شینی میری تو فکر پاشر دیگه.